

متن پرسش

سلام علیکم و رضوانه بسم الله الرحمن الرحيم. سلام و درود خدا بر مجاهدان خدا در تاریخ حضور توحیدی اسلام و درود بر روان پاک شهدای مظلوم و کودکان شهید مظلوم و سلام بر خانواده‌های صبور و مردم مقاوم و غیور که صحنه ساز تاریخی دیگر در عالم شدند و انسانی دیگر را به صحنه آوردند. جناب استاد با عرض پوزش از جسارت و زحمتی که از مطالعه‌ی این متن برای شما و عزیزان دارد، خدمتتان نوشته‌ای را فرستادم تا بلکه توانسته باشم در گفتگوی تاریخی انسان انقلاب اسلامی با شما به گفتگو بنشینم و زبان‌ها بتواند حکایت تاریخی شود که دارد بر ما می‌گذرد. آنچه ما در غزه با آن روبرویم یک تولدی جدید یا بهتر بگویم یک آغاز تاریخی جدید در دل تاریخ نهیلیسم، در زمانه‌ای که زمین بازی را انسان خود بنیاد و نیست انگار و به گل نشسته‌ی زمانه‌ی لیبرال در جستجوی لذت و تمتع و بهره‌های نفسانی بیش‌تر دنبال می‌کند و در دستیابی به آمال‌ها حاضر است تا وجوه تعالی انسان را نادیده بگیرد و انسانیت را فدای جنسیت و سببیت و به توهم بهره‌ی بیش‌تر، از ملکیت ارض و اعتباریات ارضی بهره‌ی ملکوتی‌اش را فدا کند. ما با تولد انسانی جدید در این تاریخ مواجه هستیم، انسانی که در بستر اسلام زیست کرده است و مناسبات اجتماعی‌اش را از دل اسلام کشف کرده است. انسانی علیه نظم جهانی تاریخ که بریده از آسمان تصمیم می‌گیرد و اراده می‌کند اما در بن بست تاریخ با جبهه‌ای مواجه می‌شود که عملاً مطابق با روح زمانه در حال ساخت تاریخی دیگر است و انسانی دیگر را مد نظر قرار داده است. انسانی زنده، پویا، فعال، حاضر و معتقد با انگیزه‌ی زیستی متعالی که حاضر است بهره‌های دنیایی و توهمات اعتباری‌اش را فدا کند اما ارزش انسانی و کرامت و خلافت دگر باره‌ی انسان را در تاریخ زنده کند فلذا در این صحنه حاضر می‌شود جان و مال و خانواده‌اش را فدا کند تا بار دیگر انسان از دل تاریکی تاریخ پوچی‌ها سر برآورد و خلافت را از آن خود کند و بت انانیت و اومانیزم را بشکند و این همان تبری است که امروز بر دوش ملت غزه قرار گرفته است و حماسه‌ای است که با فرماندهان و دلاوران این سرزمین رقم خورده است. اگر نتوانیم به این تاریخی که از دل عالم اسلام از دستان غزه بیرون آمده است بنگریم چیزی از مناسبات جبهه‌ی نبرد تاریخی حق و باطل را درک نکرده‌ایم. غزه نه تنها تولدی از حضور تاریخ اسلام در این زمانه بود بلکه مناسباتی از غلبه‌ی جبهه‌ی حق را به ظهور آورد تا انسان‌ها با نوعی از حضور معنوی و قدسی و ملکوتی از انسان در برابر یک زیست تکنیکی محض که صحنه‌ی قدرت را در ارتش و ابزار و سلاح و قلدری می‌بیند آشنا شوند و به تماشای انسانیت بنشینند که با کرامت و عزت و ایستادگی و انکسار دعا و تُل عبودیت و افتقار و مسکنت در پیشگاه حق تمام آن می‌کنه را به هیچ می‌گیرند و در نوعی

دیگر از رزم و صورتی دیگر از مبارزه، مناسبات زمین جنگ را به دست ربوبیت الهی می فهمند و پیروزی را دنبال می کنند بی آنکه گرفتار ترس و واهمه ی همینه ی قدرت ها شوند و مگر این جز فهم عمیق قرآنی حاصل می شود؟! و مگر انسان در این عصر جز به این بینش و زیست معنوی و قدسی از تاریخ خانه ی موهوم عالم مدرن رهایی می یابد؟! می دانم که امروز باید با غزه به انسان و تاریخی جدید با بشر سخن گفت و نگذاشت تا این ندای جهانی بین المللی که بپاخواسته و با فریاد قسط و عدل و مبارزه ی با ظلم در یک زمانه ی تاریخی به پشتوانه ی یک حرکت اسلامی بلند شده است فرو بنشیند و این فریاد بلندی که از سرزمین قدس بر سر استکبار و استبداد جهانی بپا خواسته فرو بنشیند. آری! شروع وحدت انسان ها برای خروج از ظلمت با مبارزه ی با ظلم و کفر و جور آغاز می شود تا آنگاه که به توحید ختم شود و مگر امام امت نفرمود راه قدس از کربلا می گذرد؟! این را چگونه تفسیر می کنید؟! غزه امروز در حال ایمان است و این رنجی که می برد رنج تحمل زایمان انسانی است که تاریخ فردای عالم اسلام خواهد بود و ما منتظر تولدی مبارک از دل این حماسه ی طوفان الاقصی هستیم و آماده ایم تا این انسان از بطن غزه متولد شود. و وای بر ما اگر خود را از حضور در این تاریخ محروم کنیم. که اگر اینچنین شد یقین بدانیم راهی جز سرگردانی و تحیر و پوچی نصیمان نخواهد شد و منتظر باشید و به تماشا بنشینید انسان هایی را که امروز نسبت به این حیات تاریخی جدید برای خود معنایی نیافتند و در این حضور حاضر نشدند که یا فردایی بدتر از امروزشان خواهند داشت و یا اصلا فردایی نخواهند داشت همچون تاریخ عالم غرب که فردایی در این تاریخ ندارد. دوست داشتم در نسبت با آیه ی ۱۲۰ سوره ی مبارکه بقره در مناسبت با جریان پر فتوح غزه سخن بگویم که ان شالله دوست دارم اگر توفیق یار بود و مزاحمت و زحمتی برای جناب استاد طاهرزاده نبود در یک یادداشتی دیگر گفتگویی داشته باشیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چه می توان در رابطه با غزه، این سرزمین صعود انسان های بسی بزرگ سخن گفت؟! عزم هایی به میان آمده اند از جنس عزم پیامبران اولی العزم که رسالت رساندن «توحید» به جهانیان را داشتند و لذا نشان دادن معنای حضور قدس، باید از درون انسان ها نسبت به مردم غزه شروع شود. و این راه، بدون شهادت و شهادت و شهید را بزرگ و مؤثر دانستن، ممکن نمی شود با حضور نسبت به آنچه در فلسطین و غزه می گذرد؛ ما در جهان گسترده خود که انقلاب اسلامی مقابل مان گشود، حاضر می شویم تا گرفتار بلای بی تاریخی و بی جهانی روشنفکران غرب زده و متحجرین نشویم، و برای این حضور و حتی برای شهادت در این حضور، فردا دیر است. اتفاقی پیش آمده که منتظر آن بودیم.

آری! فلسطین سکویی است که صدایش به همه جهان می رسد تا مسلمانان در این فضا، به گفته حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» خودشان مقدرات خود را به دست گیرند. این جا است که

ملاحظه می‌کنید با شهادت هر انسانی که در آن سرزمین شهید شود، عموم مسلمانان احساس می‌کنند خودشان هستند که شهید شده‌اند تا با بال‌هایی بسی گشوده و با تأثیری بیشتر در هدم و نابودی اسرائیل و جهان استکبار حاضر باشند. بی‌حساب نیست که رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله تعالی» فرمودند: «امروز یکی از مظاهر قدرت اسلام همین مسائلی است که در فلسطین در حال روی دادن است... این قضایا، نشان‌دهنده قدرت باورنکردنی اسلام در فلسطین است».

حال، نسبت ما با انسان‌های صبور و اهل توکل غزه، همان نسبتی است که جناب شاعر فرهیخته آقای قیصر امین‌پور این‌چنین توصیف می‌کند:

دوست‌ترت دارم از هرچه دوست / ای تو به من از خود من خویش‌تر

دوست‌تر از آن‌که بگویم چقدر / بیشتر از بیشتر از بیشتر

داغِ تو را از همه داراترم / درد تو را از همه درویش‌تر

موفق باشید